



استنباط تقدم حق امام بر حق مردم در روایات امام رضا(ع)

حجت الاسلام احمد رهدار، عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم(ع) با بیان اینکه امام رضا(ع) در دوره ولایتعهدی از نقد ساختارشکنانه پرهیز داشتند

احمد رهدار به گزارش ایکن، عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم(ع) با بیان اینکه امام رضا(ع) در دوره ولایتعهدی از نقد ساختارشکنانه پرهیز داشتند و این درس برای سیاستمداران امروز است، گفت: از برخی روایات امام رضا(ع) می توان برداشت کرد که حق مردم و امام موازی نیست و اول مردم باید حق امام را رعایت کنند و بعد بر امام واجب است که حقوق مردم را رعایت کند.

احمد رهدار به گزارش ایکن، حجت الاسلام والمسلمین احمد رهدار، عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم(ع)، امروز چهارم مهرماه در همایش سیره سیاسی امام رضا(ع) که از سوی دفتر قم بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی برگزار شد به موضوع «اخلاق سیاسی در سیره سیاسی امام رضا(ع)» پرداخت و گفت: ساختار امامت سرتا پا سیاسی است یعنی کسی که قرار است نقش امامت را ایفا کند حتی وقتی به ظاهر رفتاری فردی و غیر سیاسی انجام می دهد باز هم تضمین سیاسی دارد. امامت؛ اساسی ترین مفهوم در اندیشه شیعه

وی اضافه کرد: در اندیشه سیاسی شیعه، اساسی ترین و کلیدی ترین مفهوم، مفهوم امام است و اگر این مفهوم را از شیعه بگیریم اندیشه سیاسی شیعه فروخواهد ریخت و توضیح نادانی خواهد شد.

رهدار افزود: امامت به لحاظ عینی و تاریخی یک بافتار دارد که از دوره امام علی(ع) به صورت خاص شروع می شود گرچه ریشه در نبوت دارد و امام رضا(ع) در میانه این بافتار تاریخی و عینی است و عملکرد ائمه(ع) قبلی و پیامبر(ص) پشتوانه صدق امام رضا(ع) است. آغاز حرکت انبیاء و پیامبر(ص) ما هم با شعار بوده است و افراد زیادی هم به پیامبر لبیک گفتند زیرا زندگی ۴۰ ساله پیامبر در بین قومش و صدق او، ضامن صدق شعار او و پشتوانه آن بود تا مورد پذیرش مردم قرار بگیرد.

رهدار بیان کرد: نکته دیگر در این بحث آن است که در طول تاریخ جایگاه ائمه(ع) جایگاه اخلاقی و معنوی به خصوص از سوی اهل سنت فهم می شده است و نه جایگاه امامتی، ولی امام رضا(ع) چون ولایتعهدی را پذیرفتند خودشان را مرتبط با ذهنیت اهل سنت هم قرار دادند و رفتار و کنش و سیاست امام رضا(ع) برای اهل سنت هم اخلاقی و هم کنش سیاسی تلقی شد.

عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم(ع)، افزود: در جلسه پذیرش ولایتعهدی و بیعت با امام رضا(ع) مجموعه زیادی رفتار اخلاقی و سیاسی از امام صادر شد که قابل توجه است؛ امام با کیفیت بیعت خود نشان داد که مامون شایسته خلافت نیست از جمله اینکه امام(ع) دستان خود را به جای اینکه در دست مامون قرار دهد بالا بردند و حتی مامون به این رفتار معترض شد ولی امام از ابتدا نقد نرم حکومت را در دستور کار قرار دادند. پرهیز امام رضا(ع) از نقد ساختارشکنانه حکومت

استاد دانشگاه باقرالعلوم(ع) بیان کرد: امام(ع) با تاکید بر مفهوم نص و نصب و عصمت تلاش کردند تا ناحق بودن جایگاه مامون را ثابت کنند و عمده دفاع امام از خودشان، ایجابی بود، البته خود پذیرش ولایتعهدی متضمن نوعی اخلاق سیاسی است و اگر امام این جایگاه را با همه شروط پذیرفتند الزاماتی داشت و اولین الزام این است که به صورت آشکارا و ساختارشکنانه حکومت را مورد نقد و نفی قرار ندهند؛ امام رضا(ع) هم ملتزم به این اخلاق سیاسی بودند و عمدتاً به صورت ایجابی به نقد نرم حکومت می پرداختند.

رهدار با بیان اینکه اگر امروز فردی از ایران برای تحصیل به خارج از کشور برود اخلاق و فقه ما بر این تاکید دارد که آن فرد در چارچوب قوانین آن کشور رفتار کند زیرا پذیرفته است که با شرایط آن کشور به آنجا سفر کند، اظهار کرد: امام رضا(ع) هم ملتزم به این مسئله در بحث ولایتعهدی شدند و چند نوع مواجهه با مامون داشتند، ولی در هیچ مدلی از این مواجهه ها (با اینکه مفهوم مخالفت را در ذهن مخاطب ایجاد می کنند) در ملا عام از حاکم وقت و حکومت انتقاد تند و صریح ندارند.

وی با بیان اینکه حلم و علم الهی و تقوا و ورع از دید امام رضا(ع) از ویژگی های حاکم اسلامی است، افزود: امام رضا(ع) فرمودند حاکم اسلامی باید دعوت کننده به دین و اقامه کننده آن و وارث علم الهی باشد، امامت در لسان امام رضا(ع) باید اشجع، اتقی، نظام مسلمین و صلاح مؤمنان باشد و طبیعتاً چنین ویژگی هایی در مامون وجود نداشت و امام با تاکید بر چنین صفاتی به صورت

نرم، نامشروع بودن جایگاه مامون را به چالش کشیدند.

استاد دانشگاه باقرالعلوم(ع) گفت: از سویی ولایتعهدی امام رضا(ع) را می توان با امام علی(ع) مقایسه کرد که متناسب با شرایطشان رفتار کردند ولی از سویی می تواند برای مسئولان ما درس باشد؛ بنده چند بار از مقام معظم رهبری و برخی تحلیلگران سیاسی شنیدم که گفته اند چرا کسانی که در دولت سمت دارند موضع اپوزوسیون می گیرند با اینکه می دانند در چه وضعیتی مسئولیتی را قبول کرده اند. در دولت حاضر هم شنیده ام که رئیس دولت از مدیرانش خواسته کارها را ایجابی پیش ببرید و نگوید دولت قبل چه کرده است زیرا به هر حال این دولت با اشراف به اینکه دولت قبل چه کارهایی کرده وارد عرصه شده است و این مشی خوبی است.

استاد دانشگاه باقرالعلوم(ع) با بیان اینکه امام رضا(ع) هم متعهد به این مسئله بودند و در نقدشان آن را رعایت می کردند، تصریح کرد: امام(ع) در فضای عمومی و عمدتاً در خطبه ها، روی مفهومی به نام حق متقابل مردم و حاکم تاکید دارند و در مورد خودشان خطاب به مردم فرمودند من به حکم انتساب به پیامبر حقی بر شما دارم و شما هم حقی بر من دارید و اگر شما حق مرا رعایت کنید بر من واجب است حق شما را رعایت کنم. تقدم حق امام بر مردم

رهگذار تاکید کرد: از این روایت می توان برداشت کرد که این دو حق (حق مردم و امام) موازی نیست و اول مردم باید حق امام را رعایت کنند و بعد بر امام واجب است که حقوق مردم را رعایت کند. در هر حال امام از حق متقابل حاکم و مردم سخن گفته است.

وی افزود: ایشان یکسری نامه نگاری هایی در دوره ۵ ساله اول بعد از مرگ هارون با شیعیان دارند، در این نامه ها با صراحت از تلاش برای گرفتن حق شیعیان سخن گفته اند ولی در عین حال بر لزوم رعایت اخلاق تاکید فرموده اند. تبلیغ دین با اخلاق

رهگذار اضافه کرد: امام(ع) در روایات متعدد فرمودند که شما از طریق اخلاق؛ معارف و فرهنگ ما را به مردم بیاموزید و مکارم اخلاق ما را یاد بدهید و فرمودند اگر محاسن کلام ما به مردم بیان شود آنها تبعیت خواهند کرد و این یک راهبرد سیاسی امام رضا(ع) در بستر اخلاق است.

وی افزود: امام(ع) تذکراتی درباره حقوق مردم به مامون دادند که در مجالس عام و عمومی به صورت ضمنی و ایجابی بوده و در مجالس خصوصی از تعبیر تندتری استفاده می کردند و حتی بازخواست داشتند. یکسری احادیث از امام(ع) در نقد دنیازدگی داریم که می تواند درباره وضعیت دنیازدگی حاکمان باشد. وقتی از امام(ع) پرسیدند که چرا شما با احتیاط عمل می کنید یعنی زاهدانه و توام با رعایت بیت المال امام فرمودند برای اینکه مردم تصور نکنند من به دنیا چسبیده ام. ولایتعهدی؛ فرصتی برای تبیین امامت

رهگذار با بیان اینکه امام رضا(ع) در ساحت سیاست به صورت آشکار و با صراحت به دلیل فرصتی که برای ایشان به وجود آمد برخلاف سایر ائمه از امامت حرف زدند و حتی دعوت به امامت خودشان کردند، اضافه کرد: در ۵ سال آخر حکومت مامون که امام آشکارا دعوت به خود فرمودند به مامون اعتراض شد که در جامعه دو حاکم نمی گنجد و مامون گفت همین که پدر او را کشتیم بس است یعنی نوعی فشار افکار عمومی بر روی حکومت مامون به خاطر شهادت امام کاظم(ع) توسط هارون وجود داشت لذا دست امام باز بود و از این فرصت برای تبیین امامت بهره بردند.

وی افزود: امام(ع) در فرصت اختلاف بین مامون و امین هم از فرصت برای تبیین مقوله امامت استفاده کردند و در دوره ولایتعهدی به خاطر جایگاه حقوقی که داشتند دستشان بازتر هم بود و آشکارا دعوت به امامت کردند. جدا از این فرصت به تحلیل بنده زمینه ای را که در تلاش های امام صادق(ع) صورت گرفته بود نباید فراموش کرد البته تقریباً بیشتر شاگردان امام صادق(ع) از اهل سنت بودند ولی یاران امام رضا(ع) شیعه و دارای خانواده های شیعه بودند و این شرایط سبب شد تا آشکارتر از ائمه قبل دعوت به امامت کنند.

وی افزود: اگر امام به عیادت بیماری که مسیحی است می رفتند جزء اخلاق عمومی امام بود که البته جدا از اخلاق سیاسی ایشان هم نیست یعنی اگرچه این کنش امام در ابتدا بار سیاسی ندارد ولی با تعمق در کنه مطلب وضعیت سیاسی بر آن بار می شود و آن رویکرد وحدت گرایانه امام با پیروان ادیان و مذاهب دیگر است.